

پیدایش و تحول هنر

درآمدی بر مردم‌شناسی هنر

دکتر جلال الدین رایع فر
استاد دانشگاه تهران



انتشارات خجسته

۱۳۹۴

سرشناسه	رفیع‌فر، جلال‌الدین، ۱۳۳۰ -
عنوان و نام پدیدآور	پیدایش و تحول هنر: درآمدی بر مردم‌شناسی هنر / جلال‌الدین رفیع‌فر؛ ویراستار: مریم ایرزدی.
وضعیت ویراست	: ویراست ۲
مشخصات نشر	: تهران: خجسته، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۳۸۴ ص.: مصور.
شابک	: 978-964-2975-04-4
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
یادداشت	: ویراست قبلی کتاب حاضر توسط برگ زیتون در سال ۱۳۸۱ منتشر شده است.
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۳۵۳-۳۶۲.
یادداشت	: نمایه.
عنوان دیگر	: درآمدی بر انسان‌شناسی هنر.
موضوع	: هنر ابتدایی
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۳ پ ۷ / ۵۳۱۱ N
رده‌بندی دیویی	: ۷۰۹/۰۱۱:
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۵۲۵۳۰۱:



آثار خجسته

جلال‌الدین رفیع‌فر

پیدایش و تحول هنر

درآمدی بر مردم‌شناسی هنر

ویراستار: مریم ایرزدی

نمایه‌ساز: تارا یکرنگیا

حروف‌چینی: شبستری

چاپ و صحافی: پژمان

شمارگان: ۱,۰۰۰ نسخه

ویراست دوم، چاپ اول ناشر: ۱۳۹۴

قیمت: ۲۵,۰۰۰ تومان

www.khojasteh.persianbook.net

Email: khojasteh_press@yahoo.com

فروش الکترونیکی

Persianbook.net

نشانی: خیابان انقلاب، مقابل دبیرخانه دانشگاه تهران، بازارچه کتاب

تلفن: ۶۶۴۶۰۲۸۳، فاکس: ۶۶۹۵۹۹۲۳

فهرست

مقدمه چاپ دوم، ویراست دوم ۱۱

بخش اول ۲۷

دوره پارینه سنگی ۲۹

دوره پارینه سنگی جدید ۳۳

فصل اول: فرهنگ شاتل پرون ۳۷

نگاهی اجمالی به چند محل باستانی معروف این دوره ۴۳

کوانسی (مرکز فرانسه) ۴۳

سنت سه زر ۴۴

پناهگاه کومب کاپل ۴۷

غار لُو ۴۹

غارین ۵۰

فصل دوم: فرهنگ آریگناسی ۵۵

معرفی تعدادی از محل های باستانی معروف این دوره ۶۷

غار فراسی (دوردوین-فرانسه) ۶۷

پناهگاه بلاتکارد (دوردوین) ۷۳

پناهگاه لارت (دوردوین-فرانسه) ۷۷

پناهگاه سیلیه (دوردوین) ۷۹

پناهگاه کرومانیون ۸۱

غار گلهرد (جمهوری فدرال آلمان) ۸۶

غار کاریلون (ایتالیا) ۸۹

محل باستانی بی باوا-سوبرانس (اسلواکی) ۹۰

ایستالسکو (م. رومانی) ۹۱

فصل سوم: فرهنگ گراونی ۹۳

محل های باستانی معروف دوره گراونی ۱۰۰

غار گرگس ۱۰۰

دهکده لسیوگ (فرانسه) ۱۲۰

غار پاپ-براسمیوئی (فرانسه) ۱۲۳

غار پرنویر ۱۲۷

منطقه مون پازیه ۱۲۹

پرستشگاه لوسل ۱۳۰

زیستگاه گرمالدی ۱۳۷

زیستگاه ویلندورف ۱۴۱

۱۴۲	پاولو (موراوی-جمهوری چک)
۱۴۵	دولنی وستونیچ (جمهوری چک)
۱۵۰	پردموست، موراوی
۱۵۲	موراوانی-اسلواکی
۱۵۳	کوستینکی-ورنچ (روسیه)
۱۵۷	غار کوسکر

۱۶۵	فصل - چهار: فرهنگ سولوتری
۱۷۰	ماریچند: حل معروف مربوط به این دوره
۱۷۰	غار پلا درد
۱۷۳	پناهگاه روک-ر-س
۱۷۵	فورنودودیابل
۱۷۷	غار تت دولیون (سر شیر)
۱۷۹	غار شابو
۱۸۱	غار شووه (کمب دارک)

۱۹۵	فصل پنجم: فرهنگ مگدانلی
۲۰۶	معرفی تعدادی از محل های باستانی معروف این دوره
۲۰۶	غار لاسکو
۲۱۲	توصیف نقوش غار لاسکو
۲۳۶	علائم نشانه ای- قراردادی غار لاسکو
۲۳۸	باستان حیوان شناسی غار لاسکو

۲۴۴	انسان‌شناسی غار لاسکو
۲۴۹	غار کومبارل
۲۵۴	تاریخ‌نگاری و سبک
۲۵۷	غار نیو
۲۶۳	غار آلتامیرا
۲۶۵	نگاهی به وضعیت عمومی نقوش
۲۶۶	نقوش سقف
۲۶۹	حکاکی‌ها
۲۷۱	غار پیش‌مرل (فرانسه)
۲۷۶	فرن (ویدم) (ویدم - فرانسه)
۲۷۸	روفینیادی (ویدم - فرانسه)
۲۸۶	غار تروافرر (فرانسه - آژر)

بخش دوم ۲۹۳

فصل ششم: نظری به مواد و تکنیک‌ها ۲۹۵

نقاشی ۲۹۵

کنده‌کاری ۲۹۸

مجسمه ۲۹۹

فصل هفتم: سالیابی آثار هنری ۳۰۷

کشیش آنری بروی ۳۰۹

سبک I (اریگناسی) ۳۱۱

سبک II (گراوتی و اوایل سولوتری ۲۵,۰۰۰-۱۹,۰۰۰ ق.م.) ۳۱۲

سبک III (اواخر دوره سولوتری و اوایل مگدالنی

۱۹,۰۰۰-۱۶,۰۰۰ ق.م.) ۳۱۳

سبک IV (مگدالنی میانه و جدید از ۱۴,۵۰۰-۱۲,۰۰۰ ق.م.) ۳۱۳

سبک (IV) جدید ۳۱۵

نظریه های جدید ۳۱۶

فصل سوم: مشامین و نظام نمایش نقوش ۳۲۱

مناجم جانوری ۳۲۱

تصاویر انسان ۳۲۶

تصاویر جنس و نقش نجف دست انسان ۳۳۱

علامه نشانه ای- قرادادی ۳۳۲

فصل نهم: نگاهی به چند دیدگاه درباره مفهوم هنر پارینه سنگی ۳۳۷

کتابنامه ۳۵۳

منابع فارسی ۳۵۳

منابع لاتین ۳۵۴

نمایه ۳۶۳

مقدمهٔ چاپ دوم، ویراست دوم

وقتی که صحبت از زمان و مکان پیدایش هنر به میان می‌آید، همه نظرها به دورهٔ عصر حجر یا پارینه‌سنگی معطوف می‌شود. دوره‌ای که بیش از نود و نه درصد تاریخ رشد و بسر را دربرمی‌گیرد و طولانی‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین دورهٔ زندگی انسان را در خرد جای داده است.

این دوره با فرهنگ‌های خاص خودش دست‌کم چیزی حدود دو میلیون سال را پشت سر گذاشته و هنوز هم در برخی از نقاط جهان و جوامع آرام‌آرام زندگی خود را طی می‌کند.

دورهٔ پارینه‌سنگی یا عصر حجر دوره‌ای است که به خلاف تصور عمومی، مهد پیدایش بزرگ‌ترین انقلاب‌های فرهنگی-اجتماعی تاریخ بشر بوده است. تا قبل از پیدایش انسان امروزی (معروف به انسان هومو ساپینس-ساپینس یا اندیشمند-اندیشمند) که در اواخر این دوره پرمشقت و در عین حال بارور از نظر فرهنگی، ظاهر می‌شود، دست‌کم سه نوع انسان دیگر در این عصر زندگی می‌کرده‌اند که هریک از آنها به تنهایی طول زندگی‌شان بسیار بیشتر از انسان امروزی بوده است. قدیم‌ترین آنها

در حال حاضر نمونه معروف به «هوموهایلیس» یا انسان ماهر است که حدود ۲/۸ میلیون سال پیش در آفریقا ظاهر شده و تا حدود یک میلیون سال پیش در همان قاره ناپدید شده است. شهرت این نوع انسان به دلیل ساختن ابزار (البته از نوع بسیار ساده) است و اولین تظاهرات و نشانه‌های ورود به عرصه ابزارسازی توسط بشر را به او نسبت داده‌اند. پس از آن انسان معروف به هوموارکتوس یا «راست قامت» که نمونه ابتدایی آن معروف به «هوموارگاستر» است، حدود نزدیک به دو میلیون سال پیش در شرق آفریقا ظاهر شده ولی با مهاجرت به قاره‌های دیگر (آسیا و اروپا) تا حدود صد و پنجاه هزار سال پیش در این سه قاره زندگی کرده است. شهرت این نوع انسان به دلیل کشف شیوه تولید آتش در حدود بیش از ششصد هزار سال پیش در چین (توسط انسانی از همین نوع به نام انسان چین یا سینانتروپ) و همین تولید ابزارهای سنگی پیشرفته از نوع «تبر سنگی» است که انواع مختلف آن در سرتاسر این سه قاره به وفور پیدا شده و مرغوب‌ترین و پیشرفته‌ترین نوع آن را ساکنان اروپای غربی تولید کرده‌اند که قدمتی یک میلیون ساله دارد و با نام ابزارهای سنگی آشولی یا آشولتن در جهان معروفیت خاص خود را دارد. قدیمی‌ترین فسیل‌های این نوع انسان (هوموارکتوس) در آسیا با قدمت ۱/۷ میلیون سال در کشور گرجستان، در حومه شهر دامانیسی پیدا شده است که با نام «انسان دامانیسی» شناخته می‌شود. از نمونه‌های دیگر این نوع علاوه بر کشور چین، در اندونزی پیدا شده که قدمتی بیش از یک میلیون سال برای آن تعیین شده و به انسان «پیتکانتروپ» معروف است. در شمال آفریقا نیز فسیل‌هایی از همین نوع انسان کشف شده که قدمتی بیش از یک میلیون

سال داشته‌اند و به انسان آتلانترپ معروف‌اند. این فسیل‌ها در کشورهای مراکش، الجزایر و... پیدا شده‌اند. در اروپا نیز فسیل‌هایی از این نوع انسان پیدا شده که قدمتی به مراتب کمتر داشته‌اند. قدیمی‌ترین آنها با قدمتی حدود ۷۵۰,۰۰۰ سال در آلمان به دست آمده که به نام انسان هایدلبرگ شناخته می‌شود و پس از آن فسیل دیگری است که در فرانسه به دست آمده و قدمتش ۴۵۰,۰۰۰ سال است و به نام انسان توتاوول مشهور شده است. نوع سوم که می‌توان از آن سخن گفت، با نام انسان نئاندرتال معروف شده که اولین جمجمه مربوط به آن در سال ۱۸۵۶ در حومه شهر دوسلدورف آلمان در دره‌ای به همین نام کشف می‌شود و سپس یک آموزگار کنجکاو آن را مورد مطالعه قرار می‌دهد تا اینکه معلوم می‌شود که به انسانی غیر از انسان امروزی تعلق داشت. معروفیت این انسان نیز به داشتن باورهای دینی است که شواهد و حرد آن با برداشتن نشانه‌های آداب و ترتیب دفن مردگان به اثبات می‌رسد که این خود می‌تواند نشانه‌هایی از باور به دنیای پس از مرگ را تداعی کند. این انسان که قرابت فیزیکی بسیار نزدیکی با انسان امروزی دارد، با حجم جمجمه بزرگ‌تر از انسان امروزی (حدود ۱۷۰۰ سانتی متر مکعب)، حضورش دست‌کم در همه قاره‌ها به جز امریکا تأیید شده است. طول عمر آن را می‌توان از حدود سیصد هزار تا سی و پنج هزار سال پیش تعیین کرد. علت ناپدید شدن آن به درستی معلوم نیست، همان‌طور که دلیل ناپدید شدن نمونه‌های قبلی را نمی‌دانیم، ولی با توجه به مستندات موجود حضور این انسان را به دلیل پیدا شدن باقیمانده‌اش اسکلت از آن در ایران (در غار شانیدر - دامنه‌های شمالی سلسله جبال زاگرس) که قدمتی بیش از پنجاه هزار سال داشته‌اند می‌توان تأیید کرد.

نمونه‌های اخیر با شیوه جالبی و با پیروی از آداب و رسوم خاصی تدفین شده‌اند. (برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به مقاله «ج. رفیع فر، ۱۳۷۴، تحت عنوان: کواترنر، پال آنترپولوژی، ایران. مجموعه مقالات نخستین سمپوزیوم بین‌المللی کواترنر، شهریور ۱۳۷۳، دانشگاه تهران»). هنوز از انسان نئاندرتال هم مانند نمونه‌های قبلی هیچ اثری که بتوان آن را یک اثر هنری به معنای واقعی کلمه نامید، پیدا نشده است.

اما از ۳۵,۰۰۰ سال پیش یعنی درست زمانی که نئاندرتال‌ها به کلی نابود شدند و دیگر انسانی به جز انسان امروزی وجود نداشته است، یک تپه بزرگ و عظیمی از تظاهرات هنری روبرو هستیم. کشورهای اروپای غربی (فرانسه، اسپانیا، آلمان و ایتالیا) نه تنها بیشترین، بلکه با کیفیت‌ترین آثار هنری را هم از نظر تنوع و هم از نظر تعداد ارائه کرده‌اند. در حقیقت شاید بتوان گفت که عصری که به آن پارینه‌سنگی بالایی^۱ گفته می‌شود با پیدایش هنر شروع می‌شود. دوره اخیر که در واقع مراحل پایانی عصر حجر به شمار می‌رود، با گذشتن از دوره‌های قبلی خود یعنی دوره پارینه‌سنگی میانه^۲ که همان عصر نئاندرتال‌هاست و همچنین عصر پارینه‌سنگی قدیم^۳ که عصر انسان‌های راست قامت است و فاقد هرگونه آثار و تولیدات هنری بوده است، مجزا می‌شود که این شاخص‌ها عبارت‌اند از: پیدایش هنر، عمومیت پیدا کردن دین و شایه‌هایش پیدایش تعداد زیادی پرستشگاه عمومی در اروپاست، تغییر و تحولات چشمگیر در فناوری و ابزارسازی و بالاخره خروج از غارها و زندگی در دشت و داخل کلبه‌های چوبی کوچک یا چادرهایی که از تعدادی تیرک چوبی با

1. upper Paleolithic

2. middel Paleolithic

3. lower Paleolithic

پوشش پوست حیوانات که برای زندگی فصلی در یک محل تعبیه می‌شده، ساخته شده است. وجود چنین شاخص‌هایی باعث شده تا عده‌ای از دانشمندان آغاز دوره پارینه‌سنگی بالایی را به دلیل توسعه گسترده دین و عمومیت پیدا کردن آن در سطح وسیعی از جامعه بشری و همچنین پیدایش و توسعه هنر در کنار آن و تحولات دیگر یادشده در بالا، آغاز اولین انقلاب فرهنگی در تاریخ بشر اعلام کنند. زمانی که باستان‌شناس معروف فرانز وی برانسوا بورد^۱ (۱۹۶۸) قطعه استخوانی را که روی آن نقوشی یا خطوطی حکاکی شده بود را از درون رسوبات باستانی غار پش دو لازه^۲ در فرانسه کشف می‌کند. قدمت آن را با اولین فاز یخبندان ریس^۳ همزمان می‌داند (حدود دویست هزار سال) بحث‌های گوناگونی درباره زمان پیدایش هنر در جامعه انسانی رمی‌گیرد (این شیء همراه تعدادی ادوات سنگی متعلق به فرهنگ آشور در کنار حفره‌ای پیدا شده است). خطوط حکاکی شده روی این قطعه استخوانی گاو هیچ‌گونه شکی را در مورد اتفاقی نبودن آن باقی نمی‌گذارد. الکساندر مارشاک^۴ پژوهشگر موزه باستان‌شناسی-مردم‌شناسی دانشگاه هاروارد، مارشاک چوست) که از متخصصان بنام خطوط حکاکی شده روی اشیاء و دین می‌است، با بهره‌گیری از جدیدترین روش‌ها به مطالعه این شیء پرداخته است. مارشاک در این مطالعه موفق شده تنها تأخر و تقدم خطوط نسبت به یکدیگر معین کند، بلکه نوع وسیله یا وسائلی که از آنها برای خلق این نقوش به کار رفته‌اند را مشخص کند. مطالعات او نشان داد که این خطوط

1. F. Bordes

2. Pech de l'azé

3. Riss

4. A. Marshak

علائمی هستند که می‌توانند با آداب و رسوم خاصی مرتبط باشند. او حتی بر این باور است که اشکال مختلف (کمانی، قوسی، رشته‌ای، زاویه‌دار، موازی) می‌توانند همچنین نشان‌دهنده وضعیت خاص شرایط طبیعت در زمان‌های مختلف سال باشند.^۱

تا قبل از زمان یادشده در بالا تصور عمومی بر آن بود که هنر با پیدایش انسان امروزی آغاز شده است. ولی با کشف این شیء منقور بحث جدیدی درباره تاریخ پیدایش هنر در گرفت که هنوز هم به اتمام نرسیده است. کشف بخشی از یک فلوت استخوانی در سال ۱۹۹۷ از یکی از غارهای باستان کشور اسلونی (اروپای مرکزی) با توجه به قدمتش (۳۵,۰۰۰ سال) باعث شد به این شبهه که انسان‌های نئاندرتال نیز قادر به تولیدات هنری بوده‌اند دامن زده شود. زیرا حدود ۳۵,۰۰۰ سال پیش احتمالاً انسان‌های نئاندرتال در اروپای مرکزی هنوز حضور داشته‌اند. به گفته کارشناسان این فلوت استخوانی که از استخه‌ای از خرگوش ساخته شده، در حال حاضر قدیمی‌ترین وسیله نواختن موسیقی معرفی شده است. همراه این اثر، تعدادی سوزن استخوانی نیز به دست آمده است که آنها نیز از قدیمی‌ترین سوزن‌های ساخته شده توسط انسان به شمار می‌روند. محل دقیق کشف این مجموعه غار «دیبی باب»^۲ است که گره «ای ان تورت»^۳ آن را حفاری کرده‌اند.^۴ (به تصویر در انتهای کتاب مراجعه کنید.)

نباید فراموش کرد هنوز عده‌ای از باستان‌شناسان بر این باورند ابزارسازی که قدمتی دویلیون‌ساله دارد خود نوعی هنر بوده است. مثلاً

1. in: Y. Rebeyrol, 1988, p. 156

2. Dibje Babe

3. Ivan Turt

۴. گزارش چاپ شده در مجله اسلونیایی MM ماه می ۱۹۹۷، ص ۵.

تبرهای سنگی که انسان‌های راست قامت آنان را ساخته‌اند، نه تنها از تکنولوژی پیشرفته‌ای سود برده، بلکه به دلیل شکل این ادوات و استفاده از سنگ‌های الوان دارای زیبایی خاصی نیز بوده‌اند که این خود می‌تواند به عنوان اولین تظاهرات زیبایی‌شناختی در تاریخ بشر در نظر گرفته شود. از جمله طرفداران این نظریه می‌توان به باستان‌شناس معروف فرانسوی آندره لورواگوران^۱ اشاره کرد (۱۹۶۵). او معتقد است که به تدریج که انسان‌های راست قامت و ارگاسترها به تراش سنگ‌ها تسلط پیدا کردند، به این فکر افتادند ابزارهای خود را با اشکال هندسی و موزون بسازند. بنابراین در خلال زمان، تبرهای سنگی کارآمدتر شده و اشکال هندسی ساده بیش از پیش در ساختن آنها به کار رفتند. از همین جا بود که شکل بادام درشت کم‌کم جا افتاد. سیدن^۲ چنین مرحله‌ای و همچنین ظریف‌تر و دقیق‌تر شدن فن تراش، نه تنها به یک جبار فنی مرتبط نمی‌شود، بلکه بدون شک یک تلاش برای زیباتر ساختن بوده است. لورواگوران حتی معتقد است که بین بالاتر رفتن سطح تکنیک و زیبایی شیء رابطه وجود داشته است. او به همین دلیل آن را زیبایی‌شناسی کار ردی نامیده است. یعنی سازگاری و انطباق بین زیبایی و کارآمد بودن^۳ این نظر شباهت زیادی به نظر مردم‌شناس شهیر آلمانی الاصل فرانتس بواس^۴ رد (۱۹۲۷). بواس نیز در کتاب معروفش به نام هنر ابتدایی از همین نظریه صحت گرفته و از آن دفاع می‌کند.

1. A. Leri-Gourhan

2. Le Gest et la Parole t. 2: La Memoire et les Rythmes, Albin Michel.

3. F. Boas

شایان ذکر است که انسان‌های راست قامت با قدمتی حدود نزدیک به دو میلیون سال فن تولید آتش را اختراع کرده و حدود نزدیک به یک میلیون سال پیش آتش را به خانه‌ها آوردند (قدیمی‌ترین باقیمانده‌های اجاق در حال حاضر از غاری به نام شوکو تین واقع در ۵۰ کیلومتری پکن (چین) به دست آمده است که قدمتی هفتصد هزار ساله دارد و محل زندگی انسان چین یا سینانتروپ‌ها بوده است).^۱ از طرف دیگر نشاندر تال‌ها با قدمتی بالغ بر ۱۵۰,۰۰۰ سال برای اولین بار به پدیده‌های متافیزیکی فکر کرده‌اند و دارای اندیشه مذهبی بوده‌اند، ولی تنها انسان امروزی است که توانست به معنی واقعی کلمه هنرمند شود.

به طور کلی اصطلاحات به دست آمده از آثار هنری باز یافته شده از محل‌های باستانی، نشان‌دهنده این مطلب است که بخش مهم و قابل توجه این پدیده «اجتماعی- فرهنگی» در اروپای امروزی، به ویژه اروپای غربی و مرکزی، رشد و تحول یافته است. در خارج از این محدوده جغرافیایی نیز مدارک و اسنادی که وجود این پدیده را با این وسعت و پیشرفت که در اروپا دیده می‌شود را اثبات کند، هنوز به دست نیامده است. در آسیا آثار هنری یافته شده منقول و غیر منقول که به قبل از ۱۰,۰۰۰ سال پیش از میلاد تعلق داشته باشند هنوز بسیار محدودند. از بخش آسیای خاور میانه و خاور نزدیک و همچنین کشورهای آسیای میانه گزارش‌های پراکنده‌ای مبنی بر وجود چنین آثاری وجود دارد که نه تنها از نظر کیفیت، بلکه از نظر کمیت نیز با آثار هم عصر اروپایی خود به هیچ وجه قابل مقایسه نیستند.

در قاره آفریقا نیز با وجود هزاران تصویر نقاشی یا کنده کاری غیر منقول که اغلب به دوران تاریخی یا عصر نوسنگی تعلق داشته‌اند، تقریباً آثار هنری قابل توجهی از عصر پارینه‌سنگی شناسایی نشده است. در استرالیا اخیراً به مجموعه‌های هنری عظیمی برخورد شده که به گفته یکی از مسئولان موزه ملی سیدنی قدمت زیادی دارند و در گزارش‌های تأیید شده، سابقه‌ای بیش از پنجاه هزار سال برای آنها تعیین شده است که امیدواریم مطالعات دقیق‌تر وضعیت و جایگاه و سابقه آنها را هر چه بهتر تعیین کنند.

گزارش‌های پراکنده‌ای از وجود چنین آثاری روی دیواره پناهگاه‌های سنگی، غارها و تخته‌سنگ‌ها در مناطق نسبتاً زیادی از ایران خبر می‌دهند، ولی دلایل و نشانه‌های کافی که تعلق آنها را به عصر پارینه‌سنگی تأیید کند، هنوز در اختیار نیست. اما در مقابل، نشانه‌های قابل توجهی وجود دارد که تعلق این آثار را به دوران تاریخی منتفی کند. این مجموعه‌ها در مناطق متعددی از ایران شناسایی شده‌اند که از نظر کمیت فوق‌العاده قابل توجه‌اند. مناطقی چون استان مرکزی، سمنان، آذربایجان، کردستان، یزد، هرمزگان، کرمان، سیستان و بلوچستان، چهارمحال بختیاری، خراسان و... از جمله مناطقی هستند که چنین آثاری در آنها دیده می‌شود.

در اروپا پراکندگی مجموعه‌های هنری عصر پارینه‌سنگی را به‌تران از نظر جغرافیایی به دو منطقه نسبتاً متفاوت محدود کرد:

۱. شرق و مرکز اروپا که اغلب آثارش از نوع منقول و شامل اشیاء تزئینی و مجسمه است که اغلب از داخل مناطق مسکونی به دست آمده‌اند.